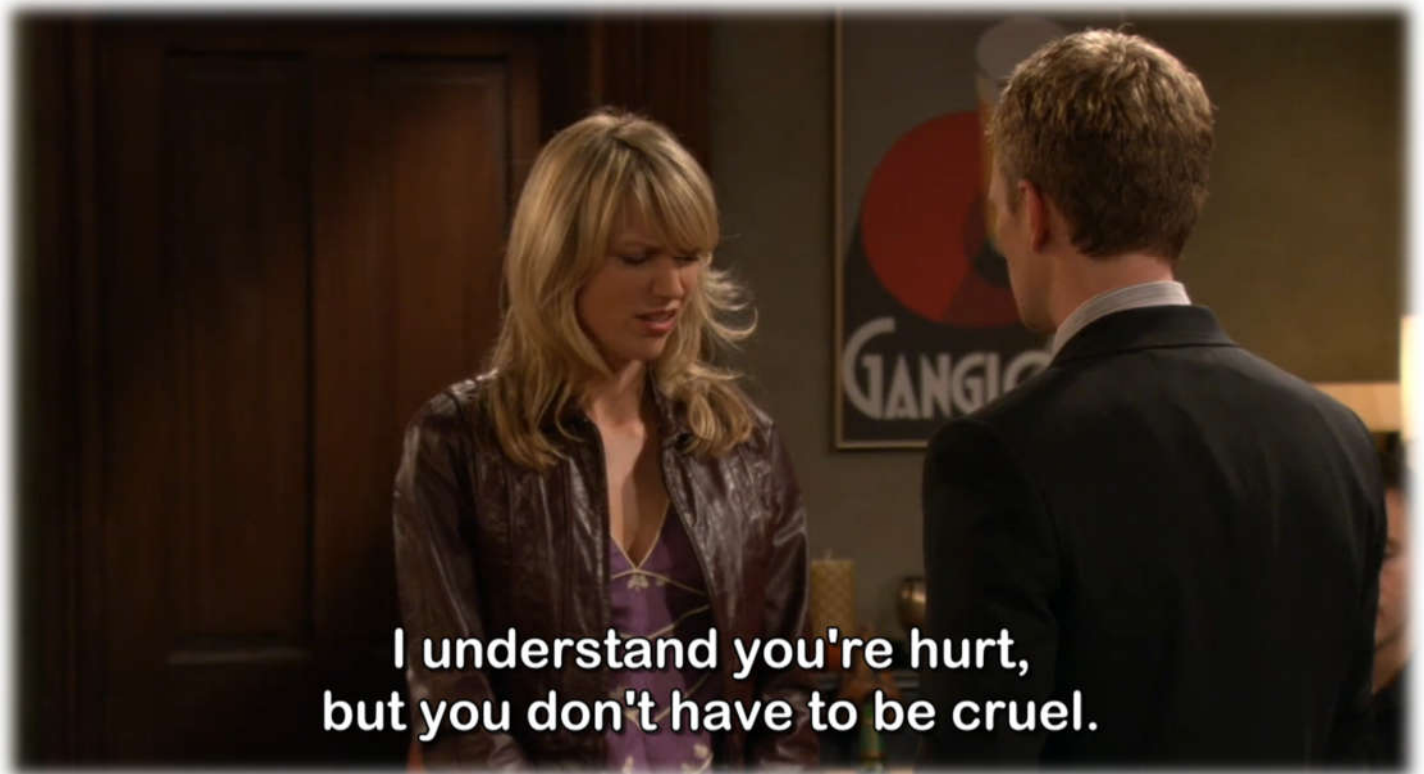


آموزش با سریال how I met your mother

جلسه اول - مدرس: علیرضا صادقیان



I understand you're hurt, but you don't have to be **cruel**

میدونم دلت شکسته اما نباید انقدر بی عاطفه باشی
کلمه cruel به معنی بی عاطفه و ظالم.

The children were sometimes **cruel** toward their pets.

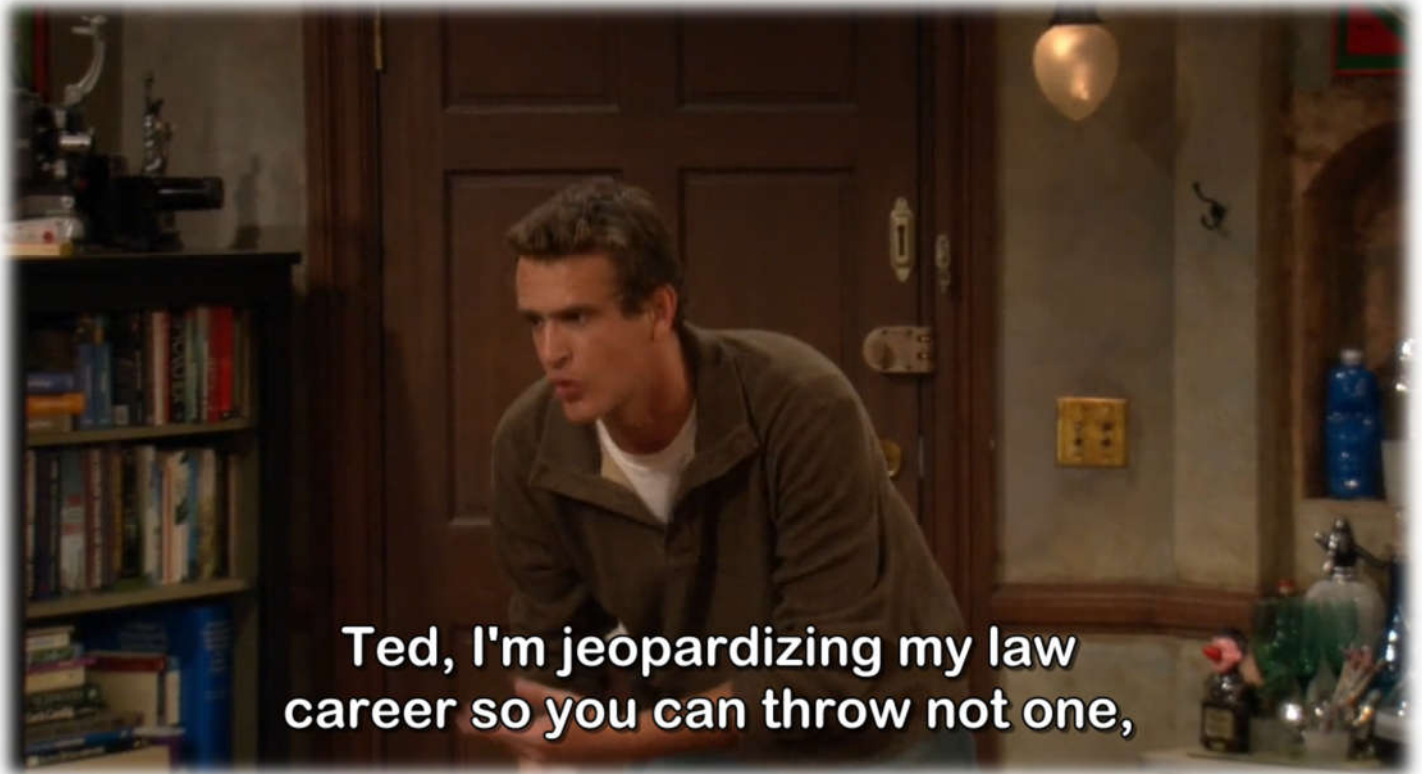
کودکان بعضی مواقع نسبت به حیوانات خانگی شان بی رحم می شوند.

Carlos was right about you

کارلوس در مورد تو درست میگفت

This book is not a coaster

این کتاب زبردستی نیست



I'm **jeopardizing** my law career so you can throw not one, not two but three parties for some girl that you just met who's probably not even going to show up.

من دارم شغل حقوقی خودم رو به خطر میندازم تا تو نه ۱ مهمونی، نه ۲ تا بلکه ۳ تا مهمونی برگزار کنی واسه دختری که تازه دیدیش و احتمالا اصلا قرار نیست بیاد.

کلمه **jeopardize** به معنی به خطر انداختن هست.

چند مثال بیشتر:

This scandal is **jeopardizing** her position in the company.

این تهمت موقعیت او را در شرکت به خطر می اندازد.

If you fail chemistry this year, you will **jeopardize** your chances of getting into medical school.

اگه امسال شیمی رو بیفتی، شانست برای ورود به دانشکده ی پزشکی به خطر میفته.

Don't **jeopardize** your future!

آینده ی خود را به خطر نینداز!

Soldiers **jeopardize** their lives in war.

سربازان جانشان را در جنگ به خطر می اندازد



Time for the **tough talk**

وقت جدی صحبت کردنه

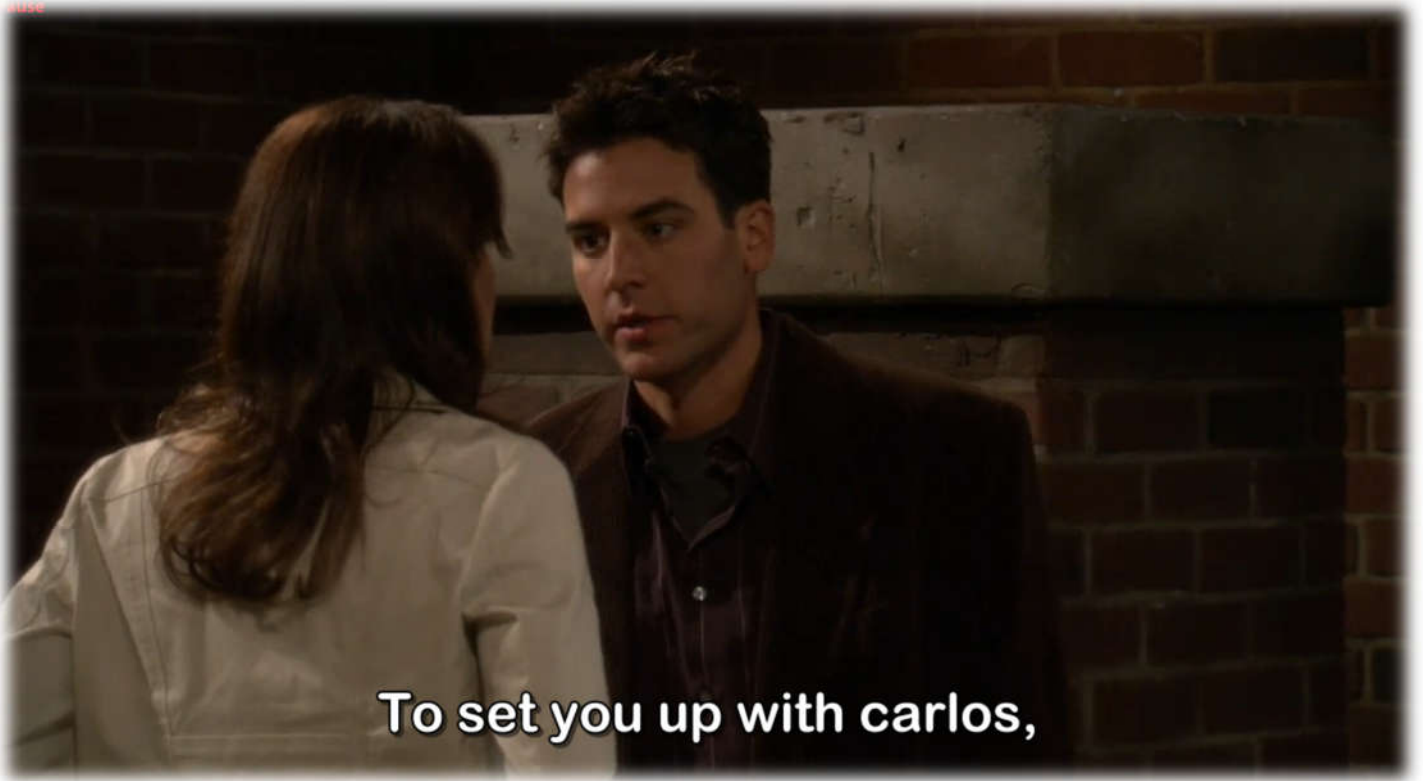
to speak in a way that makes other people fear you:

He likes to **talk tough**, but he's really a sweetheart inside.

اون دوست داره که جدی باشه اما واقعا از درون خیلی خوش قلبه

The one is **heading up to the roof**

داره میره به سمت پشت بوم



I didn't throw this party to **set you up with Carlos**

من این مهمونی رو برگزار نکردم که تو رو با کارلوس آشنا کنم

Set up someone to someone else:

To pair a person with someone else for a date or the possibility of a romantic relationship.

There's a guy from work I'd really like to **set you up with**.

یه پسره ای هست سرکارمون خیلی دوست دارم **تو رو باهاش آشنا کنم**

There's something here. Unless I'm crazy

یه چیزی این وسط هست. مگه اینکه من دیوونه باشم.

کلمه **unless** به معنی مگر اینکه. وقتی میخوایم تضاد رو در جمله نشون بدیم. معمولا وسط جمله میاد

You'll be sick **unless** you stop eating

مریض میشی مگه اینکه از خوردن دست بکشی

I won't pay **unless** you provide the goods immediately.

من پولی بهت نمیدم مگه اینکه فوراً جنس هارو آماده کنی



I'm not going
to force sports on them

I'm not going to force sports on them **unless** they're interested.

من نمیخواهم بهشون ورزش رو تحمیل کنم مگه اینکه خودشون دلشون بخواد.

Force something on/upon someone

چیزی رو بر کسی تحمیل کردن، کسی رو مجبور کردن برای انجام کاری

People who try to **force** their own views on you

کسانی که سعی میکنند نظرشون رو به تو تحمیل کنند.

I feel like I'd **either** have to marry you or break your heart.

حس میکنم یا باید باهات ازدواج کنم یا قلبتو بشکنم.

خب اینجا یه ساختار مهم داریم. Either

وقتی میخوایم بگیم یا این یا اون. ازش استفاده میکنیم.

You can choose **either** French fries, baked potato, or mashed potatoes.

شما میتونید یا سیب زمینی سرخ کرده انتخاب کنید، یا سیب زمینی پخته و یا سیب زمینی له شده!

There's tea or coffee – you can have **either**.

یا چای یا قهوه. هر کدوم بخوای میاریم.

Let's make out: to kiss and touch in a sexual way